

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

اشکال محقق ایروانی بر مرحوم شیخ

بحث در چهار فرعی بود که در باب معاطات مورد بحث واقع شده است. فرع اول این بود که متعاطیین، اعطای من الجانبین داشته باشند، هر کدام اعطا کنند و دیگری أخذ کند. بایع، مبیع را به مشتری اعطا کند و مشتری، مبیع را بگیرد و مشتری هم ثمن را به بایع اعطا کند و بایع بگیرد. عرض کردیم که مرحوم شیخ انصاری (اعلی الله مقامه الشریف) فرمودند قدر متیقن از مورد معاطات، همین است. پس از آن اشکالی از محقق نائینی (ره) نقل کردیم و آن را پاسخ دادیم. سپس اشکال دیگری از محقق ایروانی (رض) نقل کردیم. خلاصه اشکال محقق ایروانی (ره) این بود که کلام ایشان دقیقاً نقطه مقابل شیخ انصاری (ره) است. شیخ (ره) فرمود متیقن از معاطات، تعاطی من الجانبین است، هیچ تردیدی در این نیست که این معاطات است. اما محقق ایروانی (ره) فرمود که اصلاً تعاطی من الجانبین معقول نیست. و در بیان عدم معقولیت اینطور استدلال کرد که وقتی بایع مثن را به مشتری اعطا می‌کند و مشتری می‌گیرد، آیا اینجا با أخذش قصد قبول می‌کند یا نه؟ اگر قصد قبول کرد پس معاطات تمام شد، او اعطا کرده این هم قبول کرده است. – سال گذشته اثبات کردیم که عقد؛ اعم از لفظ و فعل است. گاهی اوقات در السنه از «بیع لفظی» به «عقد» تعبیر می‌کنند، و الا عقد اعم است. اصلاً در ماهیت عقد، لفظ خوابیده است که حتماً باید لفظ باشد. در هر عقدی یک ایجاب و قبول می‌خواهیم، در عقد لفظی، ایجاب و قبول لفظی است، در عقد فعلی، ایجاب و قبول فعلی است. ایجابش با اعطا بایع محقق شده است، قبولش هم با گرفتن مشتری محقق شده است. لذا ایروانی (ره) می‌فرماید همینجا معاطات تمام است. اگر کسی بگوید پس اعطاء ثمن چیست؟ می‌فرماید اعطاء ثمن بعنوان رکن و دخیل در این معاطات نیست، بلکه بعنوان وفای به آن شرطی است که کرده، گفته آقا این را می‌دهم، شرطم این است که بعداً صد تومان را به شما بدهم، این بعنوان وفای به آن شرط است.

سپس محقق ایروانی (ره) فرمود اما اگر به نفس الاخذ، قصد قبول نکند، قبول را می‌خواهد با اعطا ثمن محقق کند، مثن را بایع داده و او گرفته، با اعطای ثمن می‌خواهد قصد قبول کند، می‌فرماید لازم می‌آید که معامله مرکب از دو ایجاب مستقل شود، در حالی که با دو ایجاب مستقل، عقد درست نمی‌شود، یک طرف عقد باید ایجاب باشد و یک طرفش قبول باشد. این خلاصه اشکال محقق ایروانی (ره) بود. – بر این نکته تأکید می‌کنم که اگر در این مباحثی که بیان می‌شود، آقایان به متون مراجعه نکنند، درس برای آنها چندان فایده‌ای نخواهد داشت. اگر قبل از درس، متن کتب را ندیدید، لااقل حتماً بعد از درس مراجعه بفرمایید و اصل مطلب را از کتب خود بزرگان بدست بیاورید، و در آن فکر کنید، و الا اگر ما بگوییم و یک جزوه‌ای هم خدمت آقایان داده شود، اینها اجتهاد پرور نخواهد بود. –

جواب اول امام(ره) از اشکال محقق ایروانی(ره)

عرض کردیم امام(رض) در کتاب البیع از این اشکال دو جواب داده‌اند. جواب اول این بود که یک مبنایی دارند بر خلاف جمیع فقهاء. آن مقدار که من اطلاع دارم می‌فرمایند این مطلب مشهور که عقد، مرکب از ایجاب و قبول است را ما قبول نداریم. ما قبول نداریم که همه جا عقد نیازمند به ایجاب و قبول باشد. مواردی را مثال زدند که در این موارد با یک ایجاب تحقق پیدا کرده است. مثلاً فرمودند اگر بایع و مشتری هر دو یک نفر ثالث را وکیل کنند بر این که این جنس را در مقابل این مبلغ بفروشد و معامله کند، وکیل هم گفت «**بَادَلْتُ بَيْنَهُمَا**»، می‌فرماید معامله تمام شد و دیگر لازم نیست که بگوید «**قَبِلْتُ**». حتی طبق این بیان، در عقد نکاح هم همینطور است، اگر زوج و زوجه هر دو یک نفر را وکیل کردند که عقد ازدواج را در بین اینها منعقد کند، وکیل هم گفت «**زَوَّجْتُهَا**» یا گفت «**زَوْجَتُ مَوَكَّلَتِي مَوَكَّلِي**»، دیگر «**قَبِلْتُ**» لازم ندارد. این یک نکته که در جواب فرمودند. نکته دوم فرمودند که اصلاً چه استیحا‌شی دارید از این که یک عقد، مرکب از دو ایجاب باشد؟! چه اشکالی دارد اگر در یک جا که می‌خواهد یک فرش را در مقابل یک خانه معاوضه کند، بایع گفت «این فرش را در مقابل این خانه فروختم»، مشتری هم گفت «این خانه را در مقابل این فرش فروختم». امام(رض) فرمودند به نظر ما این درست است و لو مرکب از دو ایجاب است، و لو دارای قبول نیست، اما می‌فرمایند این یک عقد تام و صحیح است. در نتیجه می‌فرماید این مطلبی که مشهور بین فقهاءست که «**العقد يحتاج الى إيجاب وقبول**»، حرف درستی نیست، چرا که مواردی داریم که عقد با ایجاب تنها محقق شده، مواردی داریم که عقد با ایجابین محقق شده، مثل همان مثال دوم و خیلی موارد است که با ایجاب و قبول محقق می‌شود.

نقد استاد بر جواب اول امام(رض)

ما در سال گذشته (در جلسه دهم یا یازدهم) همین مبنای امام(ره) را متعرض شدیم و بر آن مناقشه کردیم. گفتیم اولاً در این مثال اولی که می‌زنید «**بَادَلْتُ بَيْنَهُمَا**»، این بمنزله هم ایجاب است و هم قبول است. چون این یک نفر، هم بایع است و هم مشتری است. وقتی این یک نفر که هم از جانب بایع و هم از جانب مشتری وکیل است، گفت «**بَادَلْتُ بَيْنَهُمَا**»، این ایجاب تنها نیست، بلکه هم ایجاب است و هم قبول است. ثانیاً ما در دفاع از مشهور این مسأله را بیان کردیم که در اذهان فقهاء این است که فرق بین عقد و ایقاع این است که ایقاع با یک ایجاب تنها محقق می‌شود، عقد آن است که هم ایجاب می‌خواهد و هم قبول می‌خواهد. این مرتکز در ذهن فقهاءست. اما باز اگر برویم از ایشان سوال کنیم که مرادتان چیست؟ می‌گویند فرق جوهری و اساسی بین عقد و ایقاع این است که عقد دو طرف می‌خواهد، این دو طرف می‌خواهد یکی ایجاب و دیگری قبول باشد، یا دو ایجاب باشد، اشکالی ندارد. اما ایقاع با یک طرف محقق می‌شود. بالاخره عقد با یک ایجاب تنها محقق نمی‌شود، اما در ایقاعات با یک ایجاب تنها هم محقق می‌شود. لذا مشهور که گفته‌اند «**العقد يحتاج الى إيجاب وقبول**»؛ مرادشان اگر این باشد، یعنی عقد محتاج به دو طرف است، لذا دیگر این اشکال ایشان وارد نیست. ما باز در آنجا گفتیم که برای «بیع»، تعاریف زیادی ذکر شده است، در بیع بگوییم «**مبادلة مال بمال**»، یا «تبادل در اضافه»، یا «**تبادل بين المالين**»، یا «**تبادل بين الملكيتين**» تا رسیدیم به آن تعاریفی که در کلمات شیخ انصاری(ره) و ابن ادریس(رض) است.

آخرین تعریفی که در کلمات وجود داشت، همین کلام محقق ایروانی(ره) بود که ایشان گفت بیع یعنی «اعراض در مقابل اعراض»، که ما این را رد کردیم. خود ما در تعریف بین گفتیم «بیع؛ تملیک بازاء تملیک است»، و این را مفصل هم بحث کردیم. آنجا این نکته را گفتیم که بنا بر تمام تعاریف، چه تعاریف قدما و چه متأخرین، بیع یک حقیقتی است که نیاز به دو طرف دارد، حالا این دو طرف می‌خواهد یکی ایجاب و دیگری قبول باشد، یا هر دو ایجاب باشد. تا اینجا بررسی اشکال اول امام(رض) بود.

جواب دوم امام(ره) از اشکال محقق ایروانی(ره)

جواب دومی که امام(ره) به محقق ایروانی(رض) داده‌اند، این است که این کسی که مال را از معطی می‌گیرد، دو صورت دارد؛ یا اینکه با همین اخذ قصد قبول می‌کند، یا این که با اخذ قصد قبول نمی‌کند، با اعطای دوم قصد قبول می‌کند. از این دو حال خارج نیست. می‌فرماید اگر با این اخذ قصد قبول کرد، که معامله تمام می‌شود. اما اگر با اعطای بعدی قصد قبول کرد، اینجا می‌فرماید درست است که آن اعطای بعدی به حمل اولی عنوان ایجاب را دارد، چون می‌گوید «اعطیتک» یا «بعیتک»، اما آن اعطای دوم بحمل شایع صنایع عنوان قبول را دارد. لذا می‌توانیم بگوییم این دومی، قبول برای اولی است، و لو به حمل اولی و به حسب ظاهر، ایجاب است. این اعطا ثمن به حمل اولی ایجاب است اما بحمل شایع صنایع عنوان قبول را دارد.

اشکال استاد بر جواب دوم امام(رض) و کلام محقق ایروانی(ره)

در اینجا یک مناقشه‌ای به ذهن ما رسیده که با این مناقشه اساس کلام محقق ایروانی(ره) هم بطور کلی از بین می‌رود. آن مناقشه این است که آیا اخذ، بنفس اخذ می‌تواند قصد قبول کند یا نه؟ این مطلب هم در کلام محقق ایروانی(رض) و هم در این وجه دوم امام(ره) مفروغ عنه و مسلم گرفته شده است. بایع جنس را به مشتری اعطا می‌کند، مشتری می‌گیرد، اینها می‌فرمایند بنفس اخذ، آن قبولی که با آن معامه محقق می‌شود، تحقق پیدا می‌کند.

ما در اینجا این نکته را ذکر کردیم که بنفس اخذ قبول تحقق پیدا نمی‌کند. برای اینکه حقیقت بیع را قبلاً تعریف کردیم به «تملیک بازاء تملیک»، حال که تملیک در مقابل تملیک است، تا اعطای دوم نیاید که این تملیک دوم محقق نمی‌شود، تا اعطای دوم نیاید پول به بایع از جانب مشتری تملیک نمی‌شود. پس ما نمی‌توانیم بگوییم به صرف گرفتن جنس از بایع، قبول محقق شد. اختیار آن دست مشتری نیست، و با قصد مشتری تنها حل نمی‌شود. وقتی شما می‌گویید معامله، تملیک به ازای تملیک است، یا می‌گویید تبادل بین ملکیتین است، بالاخره تا تملیک دوم نیاید معامله ناقص است، یک طرفش آمده، هزار بار هم مشتری بگوید «قصدت بنفس اخذ القبول»، با قصد او مسئله محقق نمی‌شود، بلکه باید تملیک دوم بیاید. لذا به نظر ما اساس اشکال محقق ایروانی(ره) بهم می‌خورد، چون در اساس اشکال مفروض بود که مشتری به نفس اخذ می‌تواند قصد قبول کند.

امام(رض) هم همین را مفروض گرفته است. عرض ما این است که اصلاً به نفس اخذ، قصد قبول امکان ندارد. در بعضی از موارد باید اعطا ثانی باشد. در مسأله نسیه و قرض، علاوه بر اینکه اخذ می‌شود، باید در ذمه استقرار پیدا کند، با او معاطات تحقق پیدا می‌کند، و الا در معاطات نسیه، مشتری بگیرد اما قبول نکند که ذمه‌اش مشغول او شده است فایده ندارد و معاطات محقق نمی‌شود. این دو وجهی که ایشان فرمودند و تحقیقی که در این دو وجه عرض کردیم.

نتیجه فرع اول

پس در معاطات من الجانبین؛ محقق ایروانی(ره) اشکالی را ذکر کرد و خواست بیان کند که معاطات من الجانبین معقول نیست، ما این اشکال را جواب دادیم و روشن شد که معاطات من الجانبین نه تنها معقول است، بلکه اصلاً از أبرز مصادیق معاطات است.

فرع دوم: اعطاء فقط از جانب بايع

فرع دوم آنجایی است که إعطاء من جانب واحد شده است و مشتری هم قبول کرده، آیا با آن معاطات محقق می‌شود یا نمی‌شود؟ اینجا امام(رض) در متن تحریر می‌فرمایند با این هم معاطات محقق می‌شود، یعنی بايع اعطا می‌کند و مشتری هم اخذ کند، قبل از اینکه مشتری اعطا کند، معاطات محقق می‌شود.

فرع سوم: إعطاء فقط از جانب مشتری

فرع دیگر که عکس فرع دوم است این است که مشتری ثمن را به بايع بدهد و بايع قبول کند، اما هنوز بايع جنس را به مشتری نداده است. امام(ره) در متن تحریر بین این دو فرق گذاشته است، می‌فرماید آنجا که بايع جنس را بدهد و مشتری بگیرد، اینجا بلا اشکال معاطات محقق است، اما عکسش؛ آنجایی که مشتری ثمن را بدهد و بايع بگیرد، اما بايع هنوز مئمن را نداده است، اول می‌فرماید «**على اشکال**»، بعد می‌فرماید این را هم باید بگوییم صحیح است «**و لا یخلو من قوة**».

اما در کتاب البیع که مفصل مرقوم فرموده‌اند، آنجا بین این دو مورد فرقی نگذاشته‌اند، در آنجا می‌فرماید که اگر إعطا من طرف واحد و الاخذ من الجانب الآخر باشد به نظر ما صحیح است. بعد می‌فرماید سه اشکال در کلمات بزرگان وجود دارد که هر سه اشکال را بیان می‌کند و مورد مناقشه قرار می‌دهند. حالا ما باید هر سه اشکال را بگوییم و امروز در زمان ما این نوع معاطات که «**اعطا من جانب واحد و الاخذ من الجانب الآخر**»، فراوان وجود دارد، ببینیم آیا این درست است یا نه و در عکس این آیا اشکال وجود دارد یا نه؟ به کتاب البیع، جلد 1، صفحه 239 مراجعه کنید.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.